

بسم الله الرحمن الرحيم

تدبر در قرآن

سوره مبارکه مزمل

استاد ضرابی

جلسه پنجم ۱۴۰۲/۴/۳

آیه شریفه: «إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا (۵) إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلًا (۶) إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا (۷) - در حقیقت ما به زودی بر تو گفتاری گرانبار القا می کنیم (۵) قطعاً برخاستن شب رنجش بیشتر و گفتار (در آن هنگام) راستین‌تر است (۶) (و) تو را در روز آمد و شدی دراز است (۷)»

عنوان: قول ثقیل، یگانگی خداوند در مقام احدیت!

«إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا» شخصی از سید هاشم حداد در مورد این آیه «ما به زودی بر تو سخن سنگین را القاء می‌کنیم.» سؤال کرد و از او پرسید مقصود از قول ثقیل چیست؟ آیا مقصود نزول جبرئیل است؟ ایشان فرمود: «جبرئیل در برابر عظمت رسول خدا(ص) امر ثقیل نیست تا از او به قول ثقیل تعبیر شود، مراد از قول ثقیل، «لا هو الا هو» است و منظور از قول، سخن به زبان نیست، بلکه القای يك حقیقت است که آن توحید خاص است. طبق بیان سید هاشم حداد، ترجمه آیه این می‌شود که: ما به زودی مقام احدیت خود را به تو القا می‌کنیم. بنابراین، قول ثقیل، یگانگی خداوند در مقام احدیت و یکتایی خداوند در مقام غیب الغیوبی است. (علامه تهرانی، روح مجرد، ج ۱، ص ۶۶۲)

همه یار است و نیست غیر از یار و احدی جلوه کرد و شد بسیار

امام خمینی یکی از مقدمات مهم بحث خداشناسی را بیان مراتب و معانی مختلف شناخت خدا می‌داند که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: شناخت ذات الهی: خداشناسی به معنای شناخت ذات خداوند در نظر عموم متکلمان و حکمای الهی نه تنها برای انسان بلکه برای هیچ مخلوقی ممکن نیست. به اعتقاد امام خمینی ذات مقدس الهی، مجهول مطلق است و هیچ اسم و رسمی برای او نیست که گاهی از آن به عنقای مغرب، غیب الغیوب و غیب مطلق یاد می‌شود. (شرح چهل حدیث، ص ۶۲۴) ذات حق به این اعتبار برای کسی معرفت‌پذیر نیست و غیر از خود ذات مقدس حق تعالی، کسی به آنجا راه ندارد. (تفسیر سوره حمد، ص ۹۵) امام خمینی با استناد به روایت «لا تتفکروا فی ذات الله»، تفکر در ذات حق را ممنوع می‌داند. ایشان با بیان این مطلب که از مجموع روایات روشن می‌شود تفکر در کنه ذات و کیفیت آن ممنوع است. میان روایات امر کننده به تفکر درباره خدا، و نهی‌کننده از آن را جمع کرده و معتقد است نهی از تفکر درباره خداوند، شامل افرادی است که استعداد ورود به این مباحث را ندارند؛ اما برای کسانی که اهل آن هستند، تفکر درباره خدا راجحان دارد، بلکه برتر از همه عبادات است. (شرح چهل حدیث، ص ۱۹۲-۱۹۴)

چون در نگری یکی بتکرار آمد

ز آنست که او بما پدیدار آمد

در چشم تو صورت ار چه بسیار آمد

گر قدرت و فعل هست ما را نه زماست

شناخت وجود خداوند: این شناخت نه تنها برای بشر امکان دارد، بلکه پایه و اساس مراتب دیگر خداشناسی است و انسان در این مرتبه، اجمالاً وجود یک مبدأ متعال و یک موجود مقدس و برتر را

تصدیق می‌کند. (دانشنامه امام خمینی، ج ۵، ص ۱۲۸)

هستی تو پیرایه هست دگرست
زنهار مشو غره که دستی داری

مستیت زجام می پرست دگرست
کین دست تو آستین دست دگرست

شناخت اوصاف و افعال الهی: امام خمینی وجود حق تعالی را دارای مراتبی می‌داند که شناخت بشر و مخلوقات به تمامی آن مراتب تعلق نمی‌گیرد؛ یعنی امکان معرفت به مرتبه غیب الغیوب و مرتبه احدیت وجود ندارد، (مصباح الهدایه، ص ۱۴) اما در مرتبه واحدیت که همان مرتبه اسماء و صفات الهی است، هر موجودی به اندازه ظرفیت خود می‌تواند به معرفتی از این مرتبه برسد. (شرح دعاء السحر، ص ۱۴۹-۱۵۱) ایشان در این قسم نه تنها بشر را بر ادراک و شناخت حق تعالی توانا می‌بیند، بلکه چندین راه برای آن معرفی می‌کند؛ از جمله شناخت انسان کامل، شناخت نفس و شناخت کلام الهی؛ زیرا هر سه در واقع تجلی خداوند و مظهر اسماء و صفات او هستند. (شرح چهل حدیث، ص ۶۲۳-۶۲۵)

چشم دریا دیگر است و کف دگر
جنبش کفها ز دریا روز و شب

کف بهل وز دیده در دریا نگر
کف همی بینی و دریا نی عجب

بر اساس آیه کریمه ای که می‌فرماید: «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنَزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ - هیچ موجودی نیست مگر اینکه ریشه در مخزن الهی دارد و از آنجا تغذیه می‌شود» (حجر/ ۲۱) حال اگر موجودی بتواند خودش مخزن الهی شود و یا کلیددار آن خزینه باشد، یقیناً زمام همه کارها با اذن خداوند به دست او خواهد بود. انسان کاملی که ولی الله است، جزء کلیدداران مخزن غیب است و مظهر «وعنده مفاتيح الغيب- کلیدهای غیب به اذن خداوند در دست اوست» (انعام/ ۵۹). وقتی که یکی از شئون ائمه این است که صندوق علم حق هستند چنانکه فرمودند: «نَحْنُ عَيْبَةُ عِلْمِ اللَّهِ وَ تَرَاجِمُهُ وَ حِيَهُ...» (معانی الاخبار، ص ۳۵، ح ۵). یا در ذیل آیه کریمه: «وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى - و نامهای نیکو به خدا اختصاص دارد» (اعراف/ ۱۸۰) می‌فرمایند: «نحن الأسماء الحسنی» یعنی در مقام اسمای فعلیه، ما مظهر آن اسمای فعلیه هستیم، در این صورت دیگر امکان ندارد که اعجاز چنین انسان کاملی شکست پذیر باشد. به همین جهت خداوند فرمود: «كَتَبَ اللَّهُ لَأَعْلَيْنَا أَنَا وَ رَسُولِي - و خداوند مقرر داشته است که: قطعا من و فرستادگانم پیروز گردیم» (مجادله/ ۲۱). «وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ * إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ * وَإِنَّ جُنُدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ - و قطعا وعده نصرت ما برای بندگان فرستاده شده ما از پیش مسلم شده است* که آنان حتما یاری شدگانند* و سپاه ما بی تردید همان ها پیروزند» (صافات/ ۱۷۱-۱۷۳). رسولان الهی و بندگان محض خداوند که از خودی خود گذشته اند، هیچ گاه مغلوب و شکست خورده نخواهند بود اگرچه ممکن است به فیض شهادت نایل گردند، ولی دین آنها و داعیه آنان و دعوت اینان ابطال شدنی نیست.

گر راه را از چاه باز شناسند رهروان
کسب رضای حق به عمل می‌شود ولی

از پرتو هدایت آل محمد است
شرط عمل ولایت آل محمد است

عنوان: قول ثقیل، برای آنان که پیامبر و امام نیستند!

اما سؤال این است که قول ثقیل، برای سایر انسانها، برای آنان که پیامبر و امام نیستند، چگونه خواهد بود؟! امیرالمؤمنین (علیه السلام) درباره آیه شریفه «فَكَيْفَ تَقْفُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا- شما [نیز] اگر کافر شوید، چگونه خود را [از عذاب] روزی که کودکان را پیر می‌کند برکنار می‌دارید؟!» (مزل/ ۱۷) فرمود: «أَحْذَرُوا يَوْمًا تُفَحَّصُ فِيهِ الْأَعْمَالُ وَ يَكْثُرُ فِيهِ الزَّلْزَالُ وَ تَشِيبُ فِيهِ الْأَطْفَالُ- از روزی بترسید که روز واری و حساب اعمال است. روزی که پر از تشویش و اضطراب است و کودکان در آن پیر گردند.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۷) حضرت از شدیدترین و سنگین‌ترین فشارهای روحی که لحظه مرگ است و در مورد کیفیت جان دادن انسان سخن به میان می‌آورد و می‌فرماید:

سختی جان کندن و حسرت از دست دادن دنیا، به دنیا پرستان هجوم آورد. بدن‌ها در سختی جان کندن، سست شده و رنگ باختند. مرگ آرام آرام همه اندامشان را فرا گرفته، زبان را از سخن گفتن باز می‌دارد و او در میان خانواده‌اش افتاده با چشم خود می‌بیند و با گوش می‌شنود و با عقل درست می‌اندیشد که عمرش را در پی چه کارهایی تباه کرد و روزگارش را چگونه سپری کرده است. به یاد ثروت‌هایی که جمع کرده می‌افتد؛ همان ثروت‌هایی که در جمع کردن آن‌ها چشم بر هم گذاشته و از حلال و حرام و شبه‌ناک گرد آورده و اکنون گناه جمع‌آوری آن همه بر دوش اوست که هنگام جدایی از آن‌ها فرا رسیده و برای وارثان باقی مانده است تا از آن بهره‌مند گردند و روزگار خود بگذرانند. (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۹)

امام علی علیه السلام فرموده است: «هَلْ تُحْسِنُ بِهِ إِذَا دَخَلَ مَنْزِلًا أَمْ هَلْ تَرَاهُ إِذَا تَوَفَّى أَحَدًا بَلْ كَيْفَ يَتَوَفَّى الْجَنِينَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ أَوْ يُلْجُ عَلَيْهِ مِنْ بَعْضِ جَوَارِحِهَا أَمْ الرُّوحُ أَجَابَتْهُ بِإِذْنِ رَبِّهَا أَمْ هُوَ سَاكِنٌ مَعَهُ فِي أَحْسَنِهَا- آیا موقعی که فرشته مرگ در منزلی وارد می‌شود، احساس می‌کند؟ آیا وقتی به قبض روح کسی اشتغال دارد، او را می‌بینی؟ فرشته مرگ، روح جنین را چگونه می‌گیرد؟ آیا از بعضی از جوارح مادر وارد می‌شود؟ یا آنکه روح جنین، به اذن خدا فرشته مرگ را اجابت می‌کند؟ یا او با جنین در رحم مادر سکونت دارد؟» (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۲)

محتضر در لحظه‌ای که ملک الموت و جهان ناآشنای پس از مرگ را مشاهده می‌کند، متوجه می‌شود که زندگی دنیایش سپری شده و در آستانه رحلت به عالم آخرت قرار گرفته است. در این موقع، سخت نگران و مضطرب شده، دچار شدیدترین فشار روحی می‌گردد.

رنج مردم روز و شب عمری دراز
تا به صد زاری دری کردند باز
تو بدین زودی بدان در کی رسی
در نخستین آیه بر سر چون رسی

پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «لَا يَزَالُ الْمُؤْمِنُ خَائِفًا مِنْ سُوءِ الْعَاقِبَةِ وَ لَا يَتَيَقَّنُ الْوُصُولَ إِلَى رِضْوَانِ اللَّهِ...-مؤمن پیوسته از قیامت بیمناک است و یقین ندارد که آیا مقام خشنودی و رضای خدا را دریافت خواهد کرد یا نه، تا هنگام مرگ و آمدن ملک الموت؛ فرشته مرگ به او می‌گوید: اینک تماشا کن! محتضر نگاه می‌کند. محمد و علی و پیشوایان معصوم (علیهم السلام) را در اعلا علین مشاهده می‌کند. فرشته به او می‌گوید: آن‌ها پیشوایان و رهبران تو هستند و در آنجا با تو همنشین و مانوس خواهند بود. اکنون حاضری به جای کسانی که اکنون در دنیا از آن‌ها مفارقت می‌کنی، این همنشین‌ها را انتخاب نمایی؟ می‌گوید: آری...» (بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۳۶۶) امام صادق (علیه السلام) در وصف افراد محتضر این گونه می‌فرماید: «مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَحْضُرُهُ الْمَوْتُ إِلَّا رَأَى مُحَمَّداً وَ عَلِيّاً حَيْثُ تَقَرَّرُ عَيْنُهُ، وَ لَا مُشْرِكٌ يَمُوتُ إِلَّا رَأَاهُمَا حَيْثُ يَسْوؤُهُ- هیچ کس نیست که مرگش فرا رسد، مگر آنکه پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و ائمه معصومین (علیهم السلام) همگی (با بدنی مثالی) نزد او مجسم و حاضر می‌شوند، به طوری که آنان را می‌بیند. اگر محتضر از مؤمنان باشد، وقت مشاهده به آنان علاقه پیدا می‌کند و عشق می‌ورزد، و اگر از مؤمنان نباشد، هنگام مشاهده ایشان، آنان را دشمن می‌دارد و به دیدار آنان علاقه‌ای ندارد.» (بحار الأنوار : ۸۲/۱۷۴)

حضرت علی (ع) در جواب کسی که از قوی‌ترین و سخت‌ترین مخلوق خدا پرسید، فرمودند: «أَنَّهُ سَأَلَهُ (يَعْنِي ابْنَ الْكَوَاءِ) فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَيُّ خَلْقِ اللَّهِ أَشَدُّ؟- قَالَ: إِنَّ أَشَدَّ خَلْقِ اللَّهِ عَشْرَةُ: الْجِبَالُ الرَّوَاسِي وَ الْحَدِيدُ... - شدیدترین مخلوقات خدا ده چیز هستند: کوه‌های مستحکم و ثابت که آهن بر آن چیره می‌شود، و آتش که آهن را می‌خورد، و آب که آتش را خاموش می‌کند، و ابر که آب را حمل می‌کند، و باد که ابرها را فشرده می‌کند، و انسان که بر باد غالب می‌شود، و مستی که بر انسان چیره می‌کند، و باد که ابرها را فشرده می‌کند، و انسان که بر باد غالب می‌شود، و مستی که بر انسان چیره می‌کند»

شود، و خواب که مستی را مغلوب می کند، و غم و اندوه که بر خواب غلبه می کند؛ پس سخت ترین مخلوق خداوند غم و اندوه است» (کنز العمال ۶: ۱۷۷ / ۱۵۲۵۲)

غم ایمان خویش خور که تورا
روز محشر امان به ایمان است

عنوان: دلبستگی و حزن، زهد و آسایش!

« إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلًا * إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا »: تحصیل معرفت و تقوا و عبادت در وقت سحر و شب های تاریک و دیجور دنیا یک مصداق بارز اغتنام فرصت و بهره برداری بهینه از دنیا و وصول به سعادت است، اما « لیل » در مقابل « یوم » به معنای وسیع تری هم اطلاق می شود و آن « لیل » یعنی فرصت دنیا، در مقابل آخرت « یوم » القیامه است. نجات از فشاره های درهم کوبنده غم و اندوه این سخت ترین مخلوق خدا با دل کردن از تعلقات ممکن است که باطن و حقیقت آن راه طولانی پس از مرگ تا به آرامش ابدی که سبوح طویل خوانده شده « إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا »، جز با رهایی از غم و شادی دنیایی ممکن نمی شود؛ « لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ - تا بر آنچه از دست شما رفته اندوهگین نشوید و به [سبب] آنچه به شما داده است شادمانی نکنید. » (حدید/۲۳)

رغبت و گرایش به دنیا از عوامل ایجاد غم و حزن و زهد و کناره گیری از دنیا و از عوامل آسایش قلب است، مقصود از زهد در دنیا به تعبیر امام صادق (علیه السلام) عبور دادن قلب از دنیا به آخرت است: « إِنَّمَا أَرَادُوا الزُّهْدَ فِي الدُّنْيَا لِيَتَفَرَّغَ قُلُوبُهُمْ لِلْآخِرَةِ - آنان (صاحبان قلب سلیم) زهد در دنیا را می خواهند ، تا دلهایشان را برای آخرت خالی سازند » (بحار الأنوار: ۷۰/ ۷/۲۳۹)

برو تکیه بر حکم تقدیر کن
چو کس را رضایت بود بر قضا
نه چون جاهلان ترك تدبیر کن
شود از غم و رنج گیتی رها

رهایی از تعلقات جز با شناخت حقیقت آنها ممکن نخواهد شد؛ امام علی علیه السلام شنید مردی دنیا را نکوهش می کند، فرمود: « ... إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ صِدْقٍ لِمَنْ صَدَقَهَا وَ دَارُ عَافِيَةٍ لِمَنْ فَهَمَ عَنْهَا وَ دَارُ غَنَى لِمَنْ تَزَوَّدَ مِنْهَا وَ دَارُ مَوْعِظَةٍ لِمَنْ اتَّعَظَ بِهَا مَسْجِدُ أَحِبَّاءِ اللَّهِ وَ مُصَلَّى مَلَائِكَةِ اللَّهِ وَ مَهْبِطُ وَحْيِ اللَّهِ وَ مَنَاجِرُ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ اكْتَسَبُوا فِيهَا الرَّحْمَةَ وَ رَبُّحُوا فِيهَا الْجَنَّةَ ... - ای نکوهش کننده دنیا، که خود به غرور دنیا مغروری و با باطل های آن فریب خوردی خود فریفته دنیایی و آن را نکوهش می کنی آیا تو در دنیا جرمی مرتکب شده ای یا دنیا به تو جرم کرده است کی دنیا تو را سرگردان کرد و در چه زمانی تو را فریب داد آیا با گورهای پدران که پوسیده اند (تو را فریب داد) یا آرامگاه مادرانت که در زیر خاک آرمیده اند آیا با دو دست خویش بیماران را درمان کرده ای و آنان را پرستاری کرده و در بسترشان خوابانده ای درخواست شفای آنان را کرده، و از طبیبان داروی آنها را تقاضا کرده ای در آن صبحگاهان که داروی تو به حال آنان سودی نداشت، و گریه تو فایده ای نکرد، و ترس تو آنان را سودی نرساند، و آنچه می خواستی به دست نیلوردی، و با نیروی خود نتوانستی مرگ را از آنان دور کنی. دنیا برای تو حال آنان را مثال زد، و با گورهایشان، گور، خودت را به رخ تو کشید. همانا دنیا سرای راستی برای راست گویان، و خانه تندرستی برای دنیا شناسان، و خانه بی نیازی برای توشه گیران، و خانه پند، برای پندآموزان است. دنیا سجده گاه دوستان خدا، نمازگاه فرشتگان الهی، فرودگاه وحی خدا، و جایگاه تجارت دوستان خداست، که در آن رحمت خدا را به دست آوردند، و بهشت را سود بردند. چه کسی دنیا را نکوهش می کند و جدا شدنش را اعلام داشته، و فریاد زد که ماندگار نیست، و از نابودی خود و اهلس خبر داده است و حال آن که (دنیا) با بلای خود بلاها را نمونه آورد، و با شادمانی خود آنان را به شادمانی رساند. در آغاز شب به سلامت گذشت، اما در صبحگاهان با مصیبتی جانکاه بازگشت، تا مشتاق کند، و تهدید نماید، و بترساند، و هشدار دهد، پس مردمی در بامداد با پشیمانی، دنیا را نکوهش کنند، و

مردمی دیگر در روز قیامت آن را می ستایند، دنیا حقائق را به یادشان آورد، یاد آور آن شدند، از رویدادها برایشان حکایت کرد، او را تصدیق کردند، و اندریشان داد، پند پذیرفتند. « (نهج البلاغه، حکمت ۱۳۱) فارغ ز بهشت و دوزخ ای دل خوش باش
آتش آن نیست که از شعله آن خندد شمع
با درد و غمش که یار دیرینه ماست
آتش آنست که در خرمن پروانه زدند

ابزارهای مهم دیگری که برای رهایی از غم ها و آلام بشری در آیات و روایات بر آنها تاکید شده: استعانت از نماز و روزه برای تسلیم نشدن در مقابل غم و اندوه و تحصیل شکیبایی است: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ - ای کسانی که ایمان آورده اید از شکیبایی و نماز یاری جوید زیرا خدا با شکیبایان است. » (بقره/۱۵۳) از عوامل دیگر رهایی از غم و اندوه: استغفار و پناه بردن به خداوند است؛ زیرا بسیاری از بلاهایی که بر سر انسان می آید حاصل کردار خود انسان است ؛ « فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ - از شیطان مطرود به خدا پناه بر. » (نحل/۹۸) و از عوامل دیگر غلبه بر غم و اندوه، بسیار گفتن ذکر لاحول و لا قوه الا بالله است. جالب این است که در روایات یکی از راه های تطهیر قلب و تزکیه درون را، غم و اندوه شمرده است؛ اما نه غم دنیا و حسرت داشتن ها و نداشتن ها بلکه اندوه از کردارهای بد و فوت وقت و توجه به اشتغالات و دور شدن از تقرب الهی که همه این ها در خود سازی نقش موثری دارد. از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) سوال شد خدا کجاست؟ فرمود «أنا عند المنكسرة قلوبهم لأجلی- من نزد کسانی هستم که قلبهایشان برای من شکسته است. » (منیة المرید، ص ۱۲۳)

معاد و مبدأ هر يك ز اسمی است	ز حق با هر یکی حظی و قسمی است
وز آن اسم اند در تسبیح دائم	بدان اسم اند موجودات قائم
گرچه از خود بکس نپردازد	همه را خود نوازد و سازد
جاودان نرد عشق می بازد	همه او همه است خود با خود
	صلی الله علی محمد و آله